یادداشت

به کجا چنین شتابان؟

فرشاد قوشچی
روزنامه‌نگار و دانشیار دانشگاه

در روزهای گذشته شوربختانه اخبار اجتماعی هراس‌انگیزی منتشر شده که حاکی از فشار و التهاب روانی در هر دو سوی ماجراست، چه آن که قربانی شده یا قربانی کرده و چه مخاطب عامی که درگیر ذهنی این روایت‌های ناخوشایند است.

هرچند نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی کم‌وبیش در برخی از جوامع وجود دارد و همین شرایط منجر به وقایع تأسف‌باری می‌شود، اما اتفاقاتی که اخیرا در سطح جامعه رخ داده است، فراتر از صفاتی نظیر اندوه‌بار و اسف‌انگیز، از آن می‌توان تعبیر به تکان‌دهنده و غافلگیرکننده کرد که روان یک جامعه را می‌آزارد. در گذشته هم خبرهایی از قتل یا خودکشی به گوش می‌رسید، اما رویدادهایی از این قبیل گویی حالا از نوع و رنگی دیگر است که کمتر در حافظه تاریخی ملتی ثبت شده است. این بهت‌زدگی غریب ناشی از نوع واکنش افرادی است که دچار و درگیر این تراژدی‌های مرگ‌آور شده یا عامل آن بوده‌اند تا جایی که بازتاب آن آسیب‌های روانی عمیقی بر جای گذاشته و مخاطبان را دچار پریشان‌احوالی می‌کند. خبرهای اخیر را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تقریبا تمام مردم به‌طور فراگیری دنبال کرده‌اند، اما همان‌طور که اشاره شد، نوع وقوع این حوادث آنها را از موارد مشابه متمایز کرده و موجب آشفتگی روانی جامعه می‌شود. در جریان قتل دکتر داودی، متخصص قلب در یاسوج، انگار برادر فرد متوفی که دو سال پیش از این به دلیل سکته قلبی درگذشته، البته با تحریک برخی به این تشخیص می‌رسد که حادثه فوت برادر ناشی از قصور پزشکی بوده و بنابراین با اسلحه‌ای کمر به قتل پزشک می‌بندد و شخصی هم وقایع را مصور و ثبت می‌کند. سپس قاتل مذکور، کت آقای دکتر را از تن درآورده و می‌پوشد و با اسلحه عکسی به یادگار می‌گیرد تا در اینستاگرام آن را ثبت کند و همچنین در استوری خطاب به برادر مرحومش اعلام می‌کند که تقاص خون او را ستانده است. جنایت مذکور حاکی از اختلالات روانی وسیعی است که عواقب فاجعه‌بارش را می‌توان در همین حادثه و کنش صورت‌گرفته در آن به روشنی مشاهده کرد. از این ماجرا نمی‌توان به سادگی عبور کرد؛ پنداری که سناریویی برای آن نوشته شده که در پایان، قاتل با افتخار آن را در کوی و برزن مجازی جار می‌زند. در پیشامد دیگری خبرنگار ایرنا از سوی همسرش که به نظر وکیل بی‌کاری بوده، توسط دمبل و چاقو به قتل می‌رسد. او عجله‌ای هم برای ازبین‌بردن صحنه جرم یا گریز خود از مهلکه نداشته، شاید هم چاره‌ای نبوده و گیج از ماجرا نظاره‌گر آتیه بوده است. پس از آنکه خواهر مقتول با اذن پلیس در منزل را می‌شکند، با شوهرخواهر روبه‌رو می‌شود که ظاهری آراسته، مرتب و خونسرد دارد، آنها سپس جنازه خواهر و پسر بی‌رمق خواهرش را در اتاقی می‌یابند که ظاهرا طبق آنچه در خبرها آمده، پدر قصد جان پسرش را هم با قرص خواب‌آور داشته و سپس منصرف می‌شود. در موردی مشابه یک وکیل دادگستری در ولنجک ابتدا همسر و پسر کوچک خود را با اسلحه می‌کشد و سپس خودکشی می‌کند. در روایت ماجرا به نقل از تنها شاهد بازمانده که دختر ۱۸ساله خانواده است، آمده که آنها وضعیت مالی بسیار خوبی داشته‌اند، اما طی واقعه‌ای پدر تمام اموال و دارایی‌هایش را از دست داده و ورشکست می‌شود و در آن خانه هم اجاره‌نشین بوده‌اند. فشار روانی حاصل از این شکست پدر را به این سو سوق می‌دهد که به همسر و فرزندانش پیشنهاد انتحار دسته‌جمعی بدهد. همسر و پسر کوچک که شناختی از قضیه نداشته می‌پذیرند، ولی دختر طفره می‌رود و از مهلکه می‌گریزد. این مصیبت اوج استیصال روحی یک خانواده است که دست به چنین اقدام بهت‌آوری می‌زند و فقط، دلیل آن را نباید در مسئله فقر مالی جست‌وجو کرد، بلکه بی‌شک مرتبط با ابعاد دیگری از زیست انسان معاصر در جامعه امروز و آمال و خواسته‌هایش هم هست و در پایان این روایت‌های دردناک از جامعه کنونی ایران، خبر خودکشی دو دانش‌آموز دختر دبیرستانی است که واکنش‌های زیادی برانگیخت. آرزو خاوری دختر ۱۶ساله از ساختمانی شش‌طبقه بالا رفته و به پشت‌بام می‌رسد، شاگرد مکانیکی که از پایین ناظر او بوده، داد و هوار می‌کند که نرو بالا، نرو بالا. آرزو نگاهی به اطراف خود در آسمان کرده و خود را به آغوش زمین پرت می‌کند. مکانیک بالای سر او حاضر شده و تنها کلمه‌ای که پیش از مرگ می‌شنود، این است: معلمم. ظاهرا روزی پیش از حادثه، آرزو با همکلاسی‌ها به اردو رفته، شادی و رقصی [یا همان حرکات موزون که اصطلاح خودساخته‌ای برای فرار از واقعیت است] هم می‌کند و در پی آن مورد عتاب و خطاب مسئولان مدرسه قرار می‌گیرد و خطای دیگر آنکه به جای لباس فرم، شلوار جین پوشیده و همین مسئله بر بار گناهان او نزد مدیر مدرسه می‌افزاید. هرچند علت خودکشی را نمی‌توان تنها منحصر به این اتفاق در مدرسه دانست، چنان‌که پدر می‌گوید او همیشه صبح‌ها اگر وقت نمی‌کرد ظرف‌ها را بشوید، یک یادداشت با ماژیک می‌گذاشت که بابا، قول میدم ظهر بیام ظرفا رو بشورم. این روایت پدر نشان‌دهنده آن است که به هر ترتیب سایه مادری بالای سر آرزو نبوده و شاید مسائل و مشکلاتی که ما از آن بی‌اطلاعیم، ولی سؤال اینجاست که رسالت و جایگاه مدرسه در این وضعیت چیست؟ یا در مورد مشابه آیناز کریمی، دانش‌آموز کلاس دوازدهم مدرسه‌ای در اطراف کازرون که به دلیل رنگ مو و لاک ناخن توسط مدیر از حضور او در کلاس جلوگیری شده و مورد تذکر شدید قرار می‌گیرد، پس از رسیدن به خانه در انباری با شالی به زندگی خود پایان می‌دهد. این همه تشکیلات عریض و طویل تربیتی و پرورشی آموزش و پرورش در این میانه چه نقشی ایفا می‌کنند؟ در شرح وظایف مسئولان پرورشی مدارس چیزی غیر از تذکر، ارشاد، عتاب و سرزنش نیامده است؟ یا آنها بلد نیستند و فقط همین آموزش‌ها را دیده‌اند؟ ظاهرا آسیب‌شناسی مسائل روحی و عاطفی دانش‌آموزان و توجه به ناهنجاری‌های رفتاری و نوع مواجهه با آنها در این بین جایی به خود اختصاص نمی‌دهد یا اساسا دارای اهمیت نیست. مدرسه اگر یار شاطر دانش‌آموز نیست، لااقل بارِ خاطرش هم نباشد. سخنان وزیر تازه به کرسی نشسته وزارت متبوع نیز تاکنون بسیار ناامیدکننده و دور از انتظار بوده و همچنان تکرار مکررات ملال‌آور و بیهوده سال‌های گذشته در زمینه معضلات تربیتی و پرورشی است. گویا جناب وزیر شناختی از نسل «Z» ندارد و همچنان در امیدهای دور و دراز دهه ۶۰ خورشیدی سیر می‌کند. آقای وزیر من در آن سال‌ها دانش‌آموزی دبیرستانی بودم و حالا در آستانه بازنشستگی‌ام، اوضاع دنیا بر مداری دیگر می‌گردد. دختران ما آرزو و آیناز، آرزوها داشتند. فرجام ایشان این احوال تلخ‌تر از زهر نبود.

چنان‌که به نیکی نظری بر این رویدادهای دهشتناک و اندوه‌بار بیندازید، به یقین درمی‌یابید که حال اجتماع خوب نیست و روانش نژند است. باید اندیشه و چاره‌ای کرد یا آنکه تنها نظاره کرد شب‌ها و روزها را در پی بی‌ثمری و کِرختی.

عکس: سهند تاکی/شرق

شهردار تهران از شورای شهر برای ورود زباله‌های شهر ساری تذکر گرفت

تهران میزبان زباله‌های همسایه

چالش‌های مرتضی‌گرد برای تهران؛ خانه‌هایی که با یک توفان ویران می‌شوند

شرق: کوه زباله‌های آرادکوه یکی از چالش‌های قدیمی تهران است. قرار بود مرکز پردازش زباله از این نقطه جابه‌جا شود، اما به‌تازگی رسانه‌ها از ورود زباله‌های شهر ساری به این مرکز خبر داده‌اند. ماجرا از آنجا آغاز شد که خبرگزاری تسنیم تصاویری از ورود کامیون‌های حمل زباله به آرادکوه با پلاک ساری منتشر کرد. در این گزارش تأکید شده بود که با توجه به گسترش مرکز پسماند آرادکوه از یک سو و گسترش شهرنشینی در بخش کهریزک شهرستان ری از سوی دیگر، فاصله مرکز دفع پسماند با محل زندگی مردم کاهش یافته است و مردم این منطقه روزانه با مشکلاتی مانند انتشار بوی نامطبوع، افزایش حشرات و حیوانات موذی، ریزش شیرابه در معابر و خیابان‌ها و همچنین ایجاد کارگاه‌های غیرمجاز تفکیک پسماند و وجود اتباع به‌ویژه اتباع غیرمجاز مواجه هستند. در این گزارش هشدار داده شده بود که درهای آرادکوه به روی زباله‌های دیگر استان‌ها نیز باز شده است.

بررسی اخبار شهر ساری هم نشان می‌داد که نایب‌رئیس شورای شهر ساری در روزهای ابتدای آبان‌ماه اعلام کرده که مقرر شده است زباله شهر ساری به زباله‌سوز تهران منتقل شود.

رضا محمدی، رئیس سازمان مدیریت پسماند شهر تهران هم در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر رسما انتقال پسماندهای ساری به تهران را تأیید کرده و گفته بود: مدتی است که مرکز دفن زباله در ساری دچار بحران شده و شیرابه حاصل از آن باعث بروز مشکلات زیست‌محیطی شده است. تا ۱۰ روز زباله‌های ساری با کامیون به تهران منتقل و در آرادکوه دفن می‌شوند تا دستگاه زباله‌سوز این شهر که در مرز پیشرفت فیزیکی ۹۸ درصد است، آماده بهره‌برداری شود. روز گذشته هم مهدی چمران اعلام کرد تنها چند روز تهران میزبان زباله‌های ساری بوده و میزان زباله هم نیمی از تولید زباله یک روز تهرانی‌هاست. او توضیح داد: این مسئله چند روز قبل مطرح و گفته شد به دلیل اینکه آنجا در نصب دستگاه زباله‌سوز مشکلاتی وجود داشت، قرار شد چند روز به‌طور استثنا زباله‌ها به تهران آورده شود که البته تمام شده و دیگر ادامه ندارد. اما سوده نجفی، عضو هیئت‌رئیسه شورای شهر تهران، به خونسردی چمران با ورود زباله‌های ساری به تهران برخورد نکرد. رئیس کمیته سلامت شورا با نقد عملکرد مدیریت پسماند در تهران به شهردار تذکر داد: زباله‌های یکی از شهرهای شمال کشور یعنی شهر ساری به صورت روزانه در حجم درخور توجهی به آرادکوه منتقل می‌شود که شهرداری تهران و شورای شهر ساری نیز این موضوع را تأیید کرده‌اند. این انتقال زباله از شهری به تهران در حالی انجام می‌شود که آرادکوه درحال‌حاضر مشکلات زیست‌محیطی زیادی برای شهروندان شهرستان ری ایجاد کرده و قرار بود این سایت پسماند به محل دیگری منتقل شود، اما امروز نه‌تنها این موضوع انجام نشده است، بلکه ما شاهد ورود زباله‌های شهری دیگر به این مرکز هستیم.

نجفی ادامه داد: به شهرداری تذکر می‌دهم که این انتقال زباله به روندی برای انتقال زباله‌های دیگر شهرها تبدیل نشود و هرچه سریع‌تر برای جلوگیری از افزایش مخاطرات زیست‌محیطی شهروندان شهر ری این انتقال را متوقف کنند. عضو هیئت‌رئیسه شورای شهر تهران تأکید کرد: سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران به‌جای رفع مشکل پسماند دیگر شهرها، بهتر است مشکلات پسماند شهر تهران را رفع کند که به گواه وضعیت موجود در سطح شهر، عملکرد مناسبی نداشته است.

چالش‌های امنیتی مرتضی‌گرد برای تهران

روز گذشته در صحن شورای شهر تهران یک‌فوریت لایحه‌ای بررسی شد که تهران را وسیع‌تر از گذشته کند و برخی سکونتگاه‌های حاشیه‌ای مانند مرتضی‌گرد، صالح‌آباد غربی و شرقی و رسالت به محدوده شهر تهران اضافه شود. اما اعضای شورا با فوریت این لایحه موافقت نکردند. ابتدا حمیدرضا صارمی، معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران، با بیان اینکه تغییرات سریع جمعیتی باعث شده سکونتگاه‌هایی اطراف تهران شکل بگیرد، گفت: موضوعی که وجود دارد، این است که مرتضی‌گرد در توابع بخش آفتاب شهرستان تهران در حریم منطقه ۱۹ واقع شده و بر اساس آخرین سرشماری، جمعیت آن ۶۲ هزار نفر و مساحت آن ۱۰۱ هکتار است. رسالت نیز ۵۲ هزار نفر جمعیت دارد. مهدی چمران هم در دفاع از فوریت این لایحه گفت این موارد که ذکر شد، روستا نیستند و با جمعیت ۶۰ هزار نفری شهر محسوب می‌شوند که متأسفانه تمام مشکلات‌شان بر شهر تهران تحمیل می‌شود و مسائل و مشکلات جدید و تازه‌ای نیستند. او افزود: زمانی که آقای قالیباف شهردار تهران بود، تصمیم گرفته شد تا به این موضوع رسیدگی شود اما در همان زمان هم شهردار با این موضوع مخالفت و تأکید کرد تخریب ساخت‌وسازها عملی نمی‌شود و حکمی که دراین‌باره صادر شده بود، لغو شد و حالا دیگر نمی‌توان مشکلات مرتضی‌گرد را حل کرد. متأسفانه مشکلات آنجا نیز به تهران تحمیل می‌شود، اما ما چاره‌ای نداریم. اگر رها شود، تهران دیگری در آنجا شکل می‌گیرد. اگر در همان زمان مدیریت لازم دراین‌باره انجام می‌شد و از ساخت‌وسازهای غیرمجاز جلوگیری می‌شد، این اتفاق نمی‌افتاد.

مسئله مرتضی‌گرد حاصل تقسیمات نادرست کشوری است. دیگر نمی‌شود برای آن کاری کرد. این موضوع درباره دیگر موارد مانند قیامدشت نیز صادق است. چمران ادامه داد: این لایحه در صورت اجرا به نفع شهر تهران خواهد بود. با توجه به اینکه موضوع مهمی است، باید بررسی‌های لازم از طریق مشاوران انجام شود. بنده موافقم که با شرایطی این الحاق انجام شود.

اما ناصر امانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورا، در واکنش به یک‌فوریت این لایحه، در قالب پیشنهادی بیان کرد: معنای این لایحه آن است که ما در حال بزرگ‌کردن تهران به شکل افقی و افزودن به جمعیت آن هستیم. منطقه ۱۹ درحال‌حاضر کشش همین تعداد جمعیت، محله و نواحی را ندارد. آلودگی هوا، تراکم جمعیت، ساخت‌وساز غیرمجاز، کمبود سرانه‌ها، سد معبر و... ازجمله مشکلات عدیده این منطقه است و حالا ما چهار محله دیگر هم به آن اضافه می‌کنیم. این موضوع نیاز به بررسی دارد. اگر قرار است این اتفاق بیفتد، یک منطقه جدید با خلازیر، مرتضی‌گرد، صالح‌آباد شرقی و غربی و رسالت ایجاد کنیم. این اتفاق تبعات سنگین برای منطقه ۱۹، تهران و جنوب پایتخت دارد. آنجا کشش این بار سنگین را ندارد. طبق لایحه، شهرداری موظف است از زمان ابلاغ این مصوبه ظرف شش ماه مطالعات طرح را انجام دهد. اگر همین امروز تصویب کنیم، نرخ ساخت‌وسازهای غیرمجاز تا تأیید نهایی آنجا افزایش پیدا می‌کند. با در نظر گرفتن این موضوعات رأی دهید.

مهدی اقاریان، رئیس کمیته نظارت و حقوقی، ضمن مخالفت با فوریت لایحه گفت: این مسئله از اهمیت بالایی برخوردار است و باید سر فرصت با قید فوریت بررسی شود؛ چراکه یک‌فوریت معنا و مفهومی دارد و باید برای آن زمانی تعیین شود. باید واقعیت را بپذیریم. با الحاق این منطقه به تهران، قیمت‌ها در آنجا تغییر خواهد یافت. ذی‌نفعانی در آنجا وجود دارند که با اطلاع از موضوع اقدام به خریداری و نگهداشت زمین کرده‌اند که در صورت الحاق آن به تهران قیمت‌ها را افزایش دهند. بنابراین درخواست می‌شود این موضوع نیز بررسی شود.

مسئله دیگری که حائز اهمیت است مربوط به ناحیه ۳ منطقه ۱۹ تهران (خلازیر) است؛ اتفاقاتی در آنجا رخ داد که باعث تلخ‌کامی شد و بعد از این اتفاق هیچ اقدامی انجام نشد و آن منطقه رها شد و ساخت‌وسازهای غیرمجاز همچنان در آنجا ادامه دارد و این به معنای ناتوانی شهرداری در انجام مأموریت‌ها و تکالیف خود بر اساس قانون است. درخواست می‌شود برای موضوع چاره‌ای اساسی اندیشیده شود و اگر مسئولان در این خصوص دغدغه دارند، جلساتی برگزار کرده و موضوع را بررسی کنند. مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورا نیز با بیان اینکه آنچه برای ما نگرانی ایجاد می‌کند، مرتضی‌گرد است، گفت: مرتضی‌گرد، مسئله اصلی شهر تهران است و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. ما در مورد الحاق صحبت نمی‌کنیم، اما باید بدانیم اگر مشکلات آن را مهار نکنیم ساخت‌وساز در آن تداوم یافته و چالش‌های آن روز به روز بیشتر می‌شود. وی افزود: نیمی از جمعیت مرتضی‌گرد اتباع هستند که سالیان سال در آنجا زندگی می‌کنند. مرتضی‌گرد به زلزله‌های آنچنانی نیاز ندارد و ممکن است با یک توفان سهمگین فرو بریزد. اختیارات محلی به نمایندگان و شورای محلی واگذار شده است که محدودیت‌هایی برای تعامل دارند. عباسی با اعلام اینکه ما هم می‌دانیم الحاق مرتضی‌گرد چیزی جز دردسر برای تهران ندارد، گفت: باید با ملاحظه تمام جزئیات درباره آن به نتیجه رسید.

۴ تذکر به زاکانی؛ فاکتور پوسترهای تبلیغاتی به شورا نرسید

در جلسه روز گذشته، مهدی اقاریان، عضو کمیسیون نظارت و حقوقی شورا، به چهار تذکر مهم خود که در ارتباط با مسائل مختلف شهرداری و مدیریت شهری بود، پرداخت و به موضوع تفاهم‌نامه‌های مالی مربوط به پروژه‌های شهرداری تهران اشاره کرد و گفت: کمیسیون نظارت شورا تفاهم‌نامه‌هایی به ارزش ۱۳ میلیارد یورو دریافت کرده و این تفاهم‌نامه‌ها در حال بررسی هستند که نتیجه بررسی‌ها به‌زودی در صحن شورا اطلاع‌رسانی خواهد شد. اقاریان دومین تذکر خود را به موضوعی مالی و تبلیغاتی اختصاص داد. او در این خصوص به اظهارنظر یکی از اعضای شورا درخصوص چاپ پوسترهای انتخاباتی زاکانی، شهردار تهران، در چاپخانه همشهری اشاره کرد و از شهرداری خواست مستندات پرداخت هزینه‌های این چاپ را به شورا ارسال کند. وی در بیان دلایل این درخواست، افزود: روزنامه همشهری که این پوسترها را چاپ کرده، زیرمجموعه شهرداری تهران است و باید شفافیت درخصوص هزینه‌های این تبلیغات وجود داشته باشد. او همچنین خواستار آن شد که ستاد دکتر زاکانی مستندات لازم را برای بررسی بیشتر این موضوع ارائه دهد تا شائبه‌ها در این زمینه برطرف شود. سومین تذکر اقاریان مربوط به واگذاری‌های سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران بود. او از گزارش‌هایی که به دستش رسیده بود، مبنی بر واگذاری‌هایی خارج از روال قانونی و بدون رعایت تشریفات صحیح در شهرداری، سخن گفت و این موضوع را یکی از دغدغه‌های مهم خود برشمرد. اقاریان با بیان اینکه چنین واگذاری‌هایی می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند، از مسئولان شهرداری خواست این موضوع را پیگیری کرده و گزارشی دقیق و مستند از این واگذاری‌ها به شورا ارسال کنند. او تأکید کرد که بررسی دقیق گزارش‌ها برای شفاف‌سازی و جلوگیری از فساد احتمالی ضروری است.

خط‌کشی‌های زرد همت شفاف‌سازی شوند

ساکنان غرب تهران این روزها با خط‌کشی‌های زردی در بخشی از بزرگراه همت مواجه شده‌اند؛ خطوطی که مدیران شهری می‌گویند قرار است در پیک ترافیک صبحگاهی و عصرگاهی تنها خودروهای عمومی از آن تردد کنند و در گام بعدی خودروهای پرسرنشین. به گفته کارشناسان ترافیک، نظارت دقیق و هوشمند اصل اجرای موفق این طرح است و در صورت فراهم‌نبودن دوربین‌های هوشمند، اجرای آن با شکست روبه‌رو خواهد بود. درحال‌حاضر پلیس می‌گوید بیش از نیمی از دوربین‌های پلاک‌خوان تهران فرسوده و خاموش است و تا زمانی که دوربین‌های جدید به تهران نیاید به نظر نمی‌آید این طرح چندان شدنی باشد. ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، درخصوص این موضوع در صحن شورای شهر تذکر داد و گفت: چند روزی است مسائلی درباره بزرگراه شهید همت مطرح می‌شود. برخی رسانه‌ها هم با ما تماس گرفتند و بنده گفتم اطلاعی ندارم، اما در صحن شورا تذکر می‌دهم. ظاهرا مدیران شهری می‌خواهند در بزرگراه شهید همت طرح HOV اجرا کنند. یک خط ویژه برای تردد خودروهای پرسرنشین ایجاد کنند و اجازه تردد خودروهای تک‌سرنشین را در آن خط ندهند. او ادامه داد: گفتند قرار است پولی شود که معاون شهردار این موضوع را تکذیب کرد. اما یک نگرانی وجود دارد؛ این طرح را ما آن زمان فقط برای خط بی‌آرتی در بزرگراه بسیج ایجاد کردیم و باعث شد ترافیک سنگینی در طول بزرگراه ایجاد شود و موجب اعتراض و نارضایتی شهروندان شد.

امانی گفت: من نمی‌دانم کمیسیون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران آیا ابعاد این مسئله را سنجیده است یا نه! قرار است طرح را به شکل پایلوت اجرا کنند و بزرگراه همت، ظرفیت اجرای طرح پایلوت را ندارد. اگر قرار باشد پایلوت اجرا کنند، باید در نقطه‌ای که ترافیک کمتر و شرایط بهتر است، اجرا شود. باید کمیسیون حمل‌ونقل و ترافیک ابعاد آن را بررسی و اطلاع‌رسانی شفاف کنند که واقعا قرار است چه اتفاقی بیفتد؛ چون مدیرعامل سازمان حمل‌ونقل و ترافیک یک نکته را مطرح کردند، رئیس اداره تصادفات راهور قسمت دیگر و معاون حمل‌ونقل ترافیک نیز ابعاد دیگری گفتند. البته همه یک موضوع را گفتند، اما با ادبیات متفاوت. این موضوع باید شفاف‌سازی شود.

هشدار به انحلال پرحاشیه

هفته گذشته موضوع انحلال پنهانی مؤسسه فناوران شهر تهران در صحن شورای شهر تذکر داده شد. کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران هم این انحلال را بررسی کرد. بر اساس خبر منتشرشده، این موضوع در دو بخش مورد بحث قرار گرفته و با توجه به اینکه اساسنامه مؤسسه فناوران شهر توسط شورای شهر تصویب نشده و در ماده ۲۰ آن اشاره شده که انحلال شرکت با نظر مجمع شرکت انجام می‌شود، تصمیم برای انحلال یا ادامه کار بر عهده شرکت خواهد بود. روز گذشته حبیب کاشانی، خزانه‌دار شورای شهر تهران، به موضوع انحلال مؤسسه فناوران شهرداری تهران اشاره کرد و از شایعات موجود در این خصوص انتقاد کرد. وی تأکید کرد برخی افراد در تلاش هستند تا با ایجاد شایعات، نظم موجود در شهرداری را برهم بزنند و منافع خود را دنبال کنند. مؤسسه فناوران که به مدت ۲۰ سال در حال خدمت‌رسانی است، نباید قربانی بازی‌های سیاسی و شایعات بی‌اساس شود. کاشانی از مسئولان شهرداری خواست در این مدت باقی‌مانده از دوره شورا، از انتشار شایعات و دامن‌زدن به تفکرات منفی جلوگیری کنند و بر شفافیت تصمیمات و اقدامات تأکید کنند. وی افزود: در این ۲۵۳ روز باقی‌مانده، لازم است همکاران ما در شهرداری با دقت بیشتری عمل کنند تا هیچ‌گونه شایعه‌ای نتواند بر عملکرد شهرداری تأثیر منفی بگذارد.

ساکنان غرب تهران این روزها با خط‌کشی‌های زردی در بخشی از بزرگراه همت مواجه شده‌اند؛ خطوطی که مدیران شهری می‌گویند قرار است در پیک ترافیک صبحگاهی و عصرگاهی تنها خودروهای عمومی از آن تردد کنند و در گام بعدی خودروهای پرسرنشین. به گفته کارشناسان ترافیک، نظارت دقیق و هوشمند اصل اجرای موفق این طرح است و در صورت فراهم‌نبودن دوربین‌های هوشمند اجرای آن با شکست روبه‌رو خواهد بود

یادداشت

برای برخی مسائل نمی‌توان تصمیم حاکمیتی گرفت

محمدهادی جعفرپور

برای اولین بار، کلینیک ترک بی‌حجابی در تهران به همت اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف افتتاح می‌شود. خبر تأسیس کلینیک ترک بی‌حجابی توسط ستاد امر به معروف یادآور تصمیمی است که این ستاد برای برخورد با بی‌حجابی با معیار قراردادن اندازه تار موی زنان اتخاذ کرده بود. سال ۱۴۰۱ دبیر این ستاد در گفت‌وگویی رسانه‌ای اظهار کرده بود: مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده تعداد بدحجاب‌ها به بالای ۵۰ درصد رسیده است. این مرکز طبق قانون، تعریف فرد باحجاب و بی‌حجاب را بر اساس ملاک شرعی قرار داده، یعنی یک تار موی زن هم بیرون باشد، مجرم است و باید دستگیر شود. حال دو سال پس از آن طرح عجیب، پیشنهادی عجیب‌تر از سوی این ستاد مطرح شده که فارغ از ایرادهای حقوقی و... مؤید یک نکته اساسی است و آن ناکارآمدی مدیران و اشخاصی است که در ستاد امر به معروف مدعی خدمت به جامعه و ادای فرایض شرعی ازجمله اجابت تکلیف شرعی امر به معروف و نهی از منکر هستند.

لازم است خدمت مدیران حاضر در ستاد امر به معروف و نهی از منکر عرض شود که سابقه تقنینی برخورد با مسئله حجاب، از قانون جذب هیئت علمی دانشگاه‌ها مصوب اسفند ۱۳۶۴ تا قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، ابلاغ سیاست‌های راهبردی مراکز آموزشی و اسلامی مصوب ۱۳۷۹، ضوابط تأسیس آموزشگاه‌های ۱۳۸۴، سیاست‌های تعریف‌شده برای صداوسیما درباره حجاب و مصوبات شورای انقلاب فرهنگی، مصوبات ستاد صیانت از حقوق شهروندی و... تا امروز که لایحه عفاف و حجاب با وجود تمام ایراداتی که از سوی کارشناسان و اهالی رسانه بر شیوه تنظیم چنین لایحه‌ای از جهات مختلفی اعم از نحوه جرم‌انگاری و میزان مجازات تعریف‌شده برای رفتارهای موصوف به کشف حجاب و.. مطرح شده، مبین این موضوع است که مسئله حجاب در نظام حقوقی_قضائی کشور با چالشی اساسی روبه‌رو است که بی‌شک راهکار برون‌رفت از آن، در انشای قانون نبوده، بلکه راهکار مناسب و درخور تأمل این مسئله نیازمند درک شرایط روز جامعه و توقعات نسل جدید است. اگر وضع قانون و بایدها و نبایدها کارگر بود، خیلی زودتر از اینها با بیش از ۵۰ مصوبه و قانون، مسئله حجاب مرتفع شده بود؛ خاصه مصوباتی که هر یک واجد طرق متنوعی در راستای ارج‌نهادن به مسئله حجاب و برحذرکردن اشخاص از شل‌حجابی یا بی‌حجابی است. اگر قرار بود افراد با مصوبه و حکم قانون تن به اجابت دستور مقنن در رعایت آنچه به‌عنوان حجاب حکم شده است بدهند، نباید امروز با مسئله و چالشی تحت عنوان حجاب روبه‌رو بودیم. باید گفت برخلاف تصور شما، مشکل امروز جامعه ایران مسئله حجاب نیست و بر فرض که به زعم شما این موضوع یک چالش و مشکل اساسی تلقی شود، راهکار مقابله و برخورد با آن در انشای قانون نخواهد بود؛ چراکه بنا بر مختصات مصرح در علم حقوق و لزوم ضرورت‌سنجی نیازهای جامعه به‌عنوان مقدمه انشای قانون، آنچه پیش از تعریف مجازات و جرم‌انگاری برخی رفتارها ضروری است، تحلیل مسائل و حوادثی است که سبب بی‌توجهی مردم به دستورات قانون یا احکام شرعی شده است. چرا برای یک بار هم که شده، تصور نمی‌کنید شاید مشکل از میزان استدلال شما از احکام شرعی است؟ بلکه به این خروجی برسید که بنا بر کدام برهان قاطع تصور می‌کنید برداشت و تفسیر شما از احکام منطبق بر صواب است و اجابت دستورات شما دارای ثواب! حکایت برخورد و تحلیل‌های امروز جامعه ایرانی در تقابل با برخی موضوعات شرعی و اجتماعی با آنچه در دهه‌های گذشته و حتی چند سال گذشته دیده می‌شد، بسیار متفاوت با ابعاد گسترده‌ای است که قابل قیاس با هیچ‌یک از چالش‌های گذشته نیست.

چنانچه بر رأی و تفسیر خویش استوار بوده و باور قاطع دارید، چرا از دل احکام شرعی و قواعد فقهی یک مصداق از حجاب شرعی مستند به ادله اربعه استخراج نمی‌کنید؟ چرا فقها و مجتهدین متأخر و متقدم بر چنین مصداقی اجماع ارائه نکرده‌اند و دست آخر اینکه چنانچه یک جوان علاقه‌مند به حجاب، شما را خطاب قرار داده و بپرسد در کدام منبع شرعی یا کتاب فقهی مصداق حجاب تعریف شده، پاسخ شما چه خواهد بود؟